

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

## فلسفه وجودی عشق و جایگاه عشق زمینی در اشعار شاعران معاصر ایران و عرب

محسن دولتی ۱

میترا عزیزی ۲

سید بهمن جعفری ۳

### چکیده :

در این مقاله سعی می شود تا با روش بررسی تطبیقی و مقایسه ای ، موضوع زن ، عشق و معشوقه در لسان شاعران معاصر ایران و عرب به تصویر کشیده شود و در دید معرض دید افکار عمومی با سلايق مختلف قرار گیرد . تصویری که از جایگاه زن در شعر شاعران معاصر ارائه شده است بیشتر بیانگر ادامه همان تصاویر تکراری و تقلیدی شاعران شعر کهن بوده که زن را در قالب یک معشوقه زمینی و در کلیشه های جنسیتی و در همان قالب های سنتی ستوده است . در این میان شاعران معاصر ایران و عرب همچون نزار قبانی و احمد شاملو تنها به بعد جسمانی زن توجه نکرده و در کنار جسم زیبای زن ، روح بلند و والای زن را تحسین کرده و تمام تلاش خود را در راستای اعتلای شخصیت زن به کار برده است . نزار قبانی در شعر خود زن را موجودی برتر و مقدس می داند . از دیگاه نزار قبانی زن جزء لاینفک جدا نشدنی شعر می باشد که موسیقی شعر را در پژواک زن جستجو می کند . نزار قبانی در میان شاعران عرب به شاعر عشق و زن شهرت یافته است . زن گاهی به عنوان زن و گاهی به عنوان معشوق آسمانی و گاهی در هیبت موجودی کاملاً زیبا و شایسته ی دوستی و دوست دارندگی در شعر نزار بروز و ظهور می یابد . زن در شعر شاعران معاصر ایرانی همچون احمد شاملو دارای روح بزرگ و مقدسی ست که زن را بر سایر افراد برتری می دهد و می کوشد که زن را در اجتماع در اوج و در جایگاه حقیقی خود نشان بدهد . نگاهی که اکثر شاعران به مقوله عشق و زن دارند همان سنتی ست و ادعاهای آنان بیشتر از عمل در احساس شاعرانه بروز یافته و با تکیه بر مسند مردانه و از جایگاه مرد و غرور مردانه با حس برتر بینی نگاه فرومایه ای به زن و عشق او داشته و این عشق لاینفک را به زن در راستای منافع خود از دید یک زن بروز داده اند . صدقینی یا سیدتی ... انا و کل الرجال کاذبون ( نزار قبانی )

واژه های کلیدی : زن ، عشق ، اجتماع ، شعر معاصر

۱- دکترای زبان و ادبیات تطبیقی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

- ۲- دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان  
۳- کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان

مقدمه :

این مطالعه و مقایسه به روش تطبیقی و به شیوه اسنادی کتابخانه ای انجام شده است و شعرهای شعرای معاصر ایران و عرب در مورد مفهوم عشق، زن و معشوقه در لسان شاعران معاصر ایران و عرب مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

عشق به زن از متعالی ترین احساس مشترک روح انسان هاست که به عنوان یکی از مضامین جاویدان شعری در ادبیات تمام ملل جهان و در همیشه ی روزگاران حضور داشته است. نمی توان ادبیات و شعر را بدون حضور زن تصور کرد چرا که اگر این مضمون والا از شعر و ادبیات کنار گذاشته شد چیزی جز توصیف و تحلیل های صرف تاریخی و اجتماعی و سیاسی و عامیانه چیز دیگری از ادبیات بر جا نمی ماند. شاعر معاصری را نمی توان پیدا کرد که در اشعار خود به نحوی به بحث زن نپرداخته باشد و در مورد عشق زن قلم سرایی نکرده باشد. هر چند کیفیت و کمیت پرداخت شاعران به زن و عشق او متفاوت بوده ولی در کل مقوله ی زن در هر زمان و تاریخ یکی از مباحث اصلی شعر شاعران معاصر عرب و ایرانی بوده است. در این مقاله خصوصیات و ویژگی های بارز زن در اشعار شاعران معاصر عرب و ایران زمین به تصویر کشیده شده است. با بررسی تطبیقی و مقایسه ای این مطلب تفاوت و شباهت و کیفیت و کمیت های اشعار آن به دید افکار عمومی از سلايق مختلف گذاشته شده است.

. پژوهش حاضر سعی دارد با تکیه به روش توصیفی - تحلیلی به مقایسه ی مضامین عاشقانه و توجه به زن به عنوان معشوق زمینی در اشعار شعرای معاصر ایران و عرب بپردازد، در این مقاله ضمن تعریف مختصری از

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

عشق به مضامین مشترک با عنوان زن در شعر شاعران قوم ایران و عرب با سابقه طولانی و پیوند اعتقادی و زبانی و تاریخی با ارائه های نمونه های شعری اشاره شده است. این پژوهش می نمایاند که میان دیدگاه شاعران این دو قوم نسبت به زن تفاوت ها و شباهت هایی وجود دارد. آنان عشق را سرنوشتی مختوم می دانند و نسبت به معشوق زمینی نظری ایجابی دارند. تاثیر شاعران معاصر ایران و عرب از مقوله ی زن به تجربیات شخصی گذشته ی آنها و مسائل اجتماعی و فرهنگی پیرامونی خود بر می گردد. با تامل در مضامین شعری شاعران فارسی همچون نیما یوشیج، مهدی اخوان ثالث، شهریار، احمد شاملو و حسین منزوی با شعرای عرب زبانی همچون نزار قبانی یکی از شاعران بزرگ و تاثیر گذار جهان عرب، معروف الرضائی، ابوالقاسم الشابی، محسن عقیل، جبران خلیل جبران، نازک الملائکه، سعاد الصباح غاده السمان، محمد الماغوط، عبدالوهاب البیاتی می توان به رگه هایی از مشابهت در زمینه ی زن پی برد. گرچه نوع کیفیت و کمیت عشق به زن در نگاه این شاعران با هم تفاوت دارد. عشق شعرای معاصر زن موجب خلق اولین آثار شعری و پیشرفت و محبوبیت آنان می شود. عشق به زن در اشعار نزار آنچنان عمیق و شدید و گسترده است که او را به یکی از حامیان حقوق زن تبدیل کرده است. نزار قبانی پر نفوذترین شاعر معاصر عرب زن را کاملاً زیبا و وزین و در اوج زیبایی های ظاهری و درونی به مخاطب معرفی می کند و زن را مظهر زیبایی به مخاطب می شناساند. عشق به زن نخستین و اساسی ترین محور و موضوع در شعر نزار است و اولویت اول اشعارش را تشکیل می دهد. نگاه او در این قلمرو کاملاً نو، زیبا شناسانه و پایه گذار اندیشه های روشن ذهن و ضمیر زن است. (قبانی، ۱۳۸۲، ۱۱) نزار هر چه باشد شاعر زن و شراب است و در این کار هم بسیار موفق بوده است به حدی که قالب ناقدان معاصر عرب او را همطراز (عمر بن ابی ربیع) بزرگترین شاعر شعرهای عاشقانه تاریخ ادبیات عرب می دانند. محور اصلی اکثر ۴۲ دفتر شعری نزار قبانی به زن و عشق اشاره دارد. (هر چند دوران شعری نزار شامل دو حوزه ی عشق و سیاست است.) در اشعار شاعر معاصر ایرانی زن مانند اشعار نزار قبانی به صورت موجودی کاملاً زیبا از نظر ظاهری توصیف نمی شود و اکثراً به صورت عشق اساطیری و دست نیافتنی در اشعار آنان ظهور و بروز پیدا می کند. آنان پرداختن به زنان را مدیون فضا و شرایط خاص اجتماعی روزگار مدرن می داند. زن در اشعار شعرای دو قوم از لحاظ بعد روحانی و جسمانی و شرایط روحی و روانی آن دارای نقاط مشترک هستند. هر دو تلاش دارند تا با اصالت بخشیدن به زن جایگاه او را ارتقاء دهند به زن نگاه فرا سرزمینی دارند و در جهت اعتلای فرا سرزمینی شخصیت زن شعر سرایی می

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

کنند و نگاهشان صرفاً محدود به زنان سرزمین خود نمی باشد. نزار قبانی دلیل شعر سرایی و پرداختن به زن در اشعار خود را نجات دادن زن از دست مردان جاهل قبایل عرب در زمان خود می داند. یکی از ضرورت هایی که باعث شد این مقاله به نگارش درآید معرفی و مقایسه و زوایای دید شاعران معاصر ایران و عرب راجب مقوله ی زن و عشق به معشوق می باشد و سعی شده از حوزه ی جامع شناسی ادبیات به تاثیر گذاری جامعه و نقش آنان در نظر این دو شاعر اشاره شود.

همان گونه که می دانیم ادبیات یک سرزمین دریچه ای ست که می توان از طریق آن بسیاری از مباحث اجتماعی را مورد بررسی قرار داد. این موضوع یعنی شناخت مقولات اجتماعی یک فرهنگ از طریق ادبیات آن، یکی از اهداف و کارکردهای جامعه شناسی ادبیات است. (ستوده، ۱۳۷۸، ۶۳)

اهمیت ادبیات تطبیقی در بررسی مقایسه ای مفهوم عشق، زن و معشوقه در لسان شاعران معاصر ایران و عرب با توجه که این بررسی از منظر ادبیات تطبیقی انجام شده جا دارد تا برای روشن شده موضوع ابتدا تعریفی بر ادبیات تطبیقی داشته باشیم.

## ادبیات تطبیقی

ادبیات تطبیقی یکی از دانش های نوپا و کارآمد است که ادبیات همه ی جهان را به عنوان مجموعه ای بهم پیوسته با وجود اختلافات ظاهری زبانی بررسی می کند. ادبیات تطبیقی یکی از ستون های نقد ادبی در عصر حاضر است که ادبیات بومی را از انزوا در آورده و در دید افکار عمومی با سلاقی مختلف قرار داده است. برخورد مناسب میان ملل های مختلف که منجر به مطالعات تطبیقی از دوره ی گذشته شد مهم ترین عاملی ست که باعث به وجود آمدن ادبیات تطبیقی گردید. ادبیات تطبیقی به عنوان شاخه ی اصلی نقد ادبی در حقیقت به سنجش آثار، عناصر، گونه های ادبی، سبک ها، دوره ها و حتی شخصیت های ادبی می پردازد. ادبیات تطبیقی از این منظر همان شناخت تاریخ ادبیات جهانی ست چون هویت تاریخی دارد و تکمیل کننده ی پژوهش های تاریخ ادبیات می باشد، لذا برای ادبیات تطبیقی دو کارکرد میتوان فرض کرد، کارکرد زیباشناختی (چون در حوزه ی نقد ادبی ست) و کارکرد معرفتی (چون در زمره ی تاریخ ادبیات جای می گیرد).

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

به عبارت دیگر ادبیات تطبیقی یعنی بررسی ادبیات ملی یک کشور در خارج از مرز های آن و نیز بررسی روابط ادبیات ملی با ادبیات زبان های دیگر و نیز سایر رشته های علوم انسانی و هنرهای زیبا مانند فلسفه ، تاریخ .

از مهم ترین مولفه های ادبی که در این مقاله استفاده شده است می توان به : تاثیر و تاثر ، روابط بینامتنی ، مطالعات فرهنگی ، نقد ادبی ، تاریخ ادبی ، نظریه دریافت اشاره کرد . لازم به ذکر است در خصوص نظریه ی دریافت ، سوابق مطالعاتی در خصوص این دو شاعر که قبلا به قلم تحریر در مقالات و کتب مختلف در آمده است استخراج گردیده که در منابع به آن اشاره شده است . از عواملی که باعث ابداع و ترویج و پیشرفت ادبیات تطبیقی در نژاد افکار عمومی شد می توان به نقش ادبیات تطبیقی در غنی سازی و بارورسازی ادبیات خودی و آشنایی با فرهنگ ها و ادبیات و اندیشه های دیگر ملل و کاهش تعصبات قومی اشاره کرد . از بین انواع مکاتب ادبیات تطبیقی ( مکتب فرانسوی ، مکتب آمریکایی ، مکتب مارکسیستی ) این مقاله و پژوهش در مکتب آمریکایی به نگارش در آمده است . در مکتب آمریکایی بر خلاف مکتب فرانسه به روابط میان ادبیات مختلف بر مبنای اصل تاثیر و تاثر توجهی نمی شود . آنچه در این مکتب اصالت دارد ، اصل تشابه و همانندی است . ادبیات تطبیقی در این مکتب با نقد مدرن گره خورده است . در این مکتب ، ادبیت یک اثر ادبی مرکز توجه می باشد . منظور از ادبیت یعنی تمام ویژگی هایی که یک اثر را به اثر ادبی تبدیل می کند . لذا در بررسی و تطبیق آثار ادبی باید به میزان ادبیت آن توجه داشت نه روابط تاریخی و رابطه ی تاثیر و تاثر .

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق و مقایسه ی تطبیقی :

در انجام این طرح سعی شده است بیان نماید که زن و معشوقه چه جایگاهی در ادبیات معاصر دارند و چه نگرش و نگاهی توسط شاعران دو قوم ایرانی و عربی در این مقوله حاکم بوده است و چه عواملی باعث خلق این نگرش در شعر شاعران معاصر گردیده است . در این مقاله سعی بر آن است با واکاوی علل و عوامل تهدید های پشت سر گذاشته و حال حاضر به سوالاتی در این زمینه پاسخ داده شود . از آنجایی که کمتر از این نگاه به شعر معاصر ایران و عرب پرداخته شده ، ضرورت و اهمیت انجام این طرح را بیش از پیش مهم ، ملموس و بارز می نماید .

اهداف مهم و اساسی تحقیق :

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

مهم ترین هدف از انجام این تحقیق و بررسی ، شناخت جایگاه حقیقی زن در شعر معاصر ایران و عرب و شرایط اجتماعی حاکم در زمان شعرای این دو قوم از منظر سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و حاکمیتی . از دیگر اهداف این تحقیق میتوان به موازنه و بررسی شعر معاصر ایران عرب و تاثیرگذاری آنها بر یکدیگر و معرفی سیمای زن در جامعه و نقش مهم زنان این دو قوم بزرگ در تغییر نگرش جامعه و حاکمیت به زن اشاره کرد .

پیشینه تحقیق :

در خصوص پیشینه پژوهش در مورد این بررسی و مقایسه ی تطبیقی باید گفت که مقاله ها و کتب مربوط به این بحث مورد مطالعه قرار گرفته و از نظریه های مکاتب ادبی از جمله نظریه دریافت در تدوین این پژوهش بهره برده شده است . همچنین این پژوهش بر مبنای تحلیلی توصیفی و با روش کتابخانه ای و اسنادی انجام شده است . در قسمت منابع و مأخذ مبسوط از منابع مورد استفاده نام برده شده است .

روش و نحوه اجرای تحقیق :

در این پژوهش مقاله محور ابتدا داده ها را توصیف سپس آن داده ها را تحلیل ، تفسیر و بررسی می نمائیم ، بنابراین روش این پژوهش ، توصیفی تحلیلی ست و از آن جهت که بررسی موضوع زن ، عشق و معشوقه در دو ادبیات فارسی و عربی به نقاط اشتراک و تاقی این موضوع در دو زبان مختلف پرداخته از روش تطبیقی دو سویه در نقد ادبی بهره گرفته است . این مطالعه و مقایسه به روش تطبیقی و به شیوه اسنادی کتابخانه ای انجام شده است .

متن :

پیشگفتاری از شعر معاصر ایران و عرب :

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

پیش از هر چیز روشن شدن مفهوم شعر معاصر ایران و عرب ضروری می نماید. منظور از شعر معاصر ایران در این نوشتار تحولات شعری پس از انقلاب مشروطه و منظور از شعر معاصر عرب نیز تحولات شعری پس از عصر نهضت یا به تعبیر بهتر ((جهش ادبیات معاصر)) (عبدالجلیل، ج، م، ۱۳۷۳: ۲۶۴) می باشد. اساساً در بحث از شعر معاصر ایران، به طور خاص شعر دوران مشروطه، و در بحث از شعر معاصر عرب نیز شعر عصر نهضت فرهنگی اعراب مطرح می شود چرا که تاثیر مشروطه و نهضت به شعر معاصر ایران و عرب غیر قابل انکار بوده و علاوه بر آن مساله تغییر نگرش شاعران معاصر به زن که بن مایه اصلی این پژوهش را تشکیل میدهد از همین دوره آغاز می شود. ((شاعران معاصر در بیشتر موارد از جلوه های مشروطیت و میل به اصطلاحات اجتماعی همچون آزادی زنان الهام گرفته اند.)) (آژند ۱۳۸۱، ۵۰)

((انقلاب مشروطه که توأم با ایجاد تغییرات سیاسی در حیات سیاسی اجتماعی ایران بود، در عرصه های شعر و ادب نیز تغییراتی به وجود آورد)) (آرین پور ۱۳۸۲: ج ۳ / ۱۰) از این زمان به بعد فرمانروایی دیر آهنگ قراردادهای کهن ادبی شکاف بر داشت و ارزش های نوین رو نهاده شد، ویژگی های جدید هستی گرفت و این ها همه حاصل تبادلات فرهنگی و انطباق پذیری فطری انسان ایرانی بوده که با دنیای مدرن هم جهت شد و در ادبیات خود اصطلاحاتی بنیادین معمول داشت. (آژند ۱۳۸۳، ۷)

این افت و خیز نوجویی در شعر و ادب ایران مقارن شده بود با آغاز نهضت نوگرایی در شعر و ادب عرب که از آغاز قرن بیستم دگرگونی های ظریف و تعیین کننده به خود می دید که می توانست شیوه های نو را بیازماید و با ظرفیتی فزاینده با تحولات جدید و مدرن همگام شود. (اسوار، موسی: ۱۳۸۱: ۲۰ - عباس، احسان ۱۹۹۲: ۱۸)

شعر معاصر ایران با اینکه در بردارنده نشانه هایی از گذشته است ولی دوره ویژه ای را در دوره بندی و تقویم ادبیات پدید آورده که انعکاسی از تحولات و دگرگونی های سیاسی و اجتماعی حیات و چشم اندازها و آرمان های ملت ایران در یکصد سال گذشته است به طوریکه ریشه در سنت های گذشته دارد و شاخه در افق های آینده می گستراند. (امین پور، ۱۳۸۳: ۳۵۰)

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

(( بی شک کسی که هم ادبیات فارسی و هم ادبیات عربی را بشناسد به خوبی می داند که در صد سال اخیر آنچه در ادبیات فارسی اتفاق افتاده در شعر عرب نیز رخ داده است . )) ( شفیع کدکنی : شعر معاصر عرب ۱۳۸۰ : ۱۵ ) این امر تابع شرایط فرهنگی و زیر بناهای حیات این دو ملت است . شرایط فرهنگی ، سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی در جهان عرب و ایران تا حدود زیادی با هم شباهت دارند و به همین علت عجیب نیست اگر از میان این شباهت ها ادبیاتی بسیار نزدیک به هم متولد شود . دوره بعثت یا تجدید که در آغاز قرن بیستم میلادی در ادبیات عرب اتفاق افتاد اگر مبالغه نباشد با ادبیات فارسی پس از انقلاب مشروطه کاملاً مطابقت دارد . از این رهگذر ادبیات بوجود آمد که پیامش تجدید حیات فرهنگی است . ( القضاة ۱۳۸۴ ، ۶۰ ) دکتر شفیع کدکنی شعر معاصر ایران و عرب را از نظر تحولات ادبی هر دو زبان به دو دوره تقسیم می کند : دوره نخستین و دوره جدید : دوره نخستین دوره ای است که شاعران با حفظ سنت و نگاهداشت نظام فنی شعر قدیم ، می کوشند اندیشه های تازه ای را به خصوص با توجه به نیازمندی های اجتماعی مورد بررسی قرار دهند و در شعر خویش منعکس نمایند . این دوره مشابه است با ادبیات آغاز مشروطه در ایران تا سال های مقارن ۱۳۲۰ شاعران این دوره ادبیات معاصر عرب که مشاهیر آنها عبارت اند از : احمد شوقی ( مصری ) بارودی ( مصری ) جمیل صدقی الزهاری ( عراقی ) از جهاتی قابل سنجش اند با شاعران دوره مشروطه ما و دوره بعد از آن مانند ادیب الممالک ، محمد تقی بهار و پروین اعتصامی .

شاعران معاصر ایران و عرب در وجود معشوق و محبوب به دنبال مادر می گردند . شهریار در شعری به عنوان (( داغ همسر )) از دست دادن همسر را به مثابه یتیمی دوباره خود تلقی می کند چرا که از دست دادن همسر برای او با فقدان مادر برابری می کند . از این رو یتیمی دوباره خود را بسیار جگر سوز توصیف می کند :

همه دلسوز بود داغ عزیزان لیکن داغ همسر چه خدنگی ست که دلسوزتر است ( شهریار ۱۳۸۲ : ۱۰۵۲ )

در شعر معاصر عرب نیز گاهی شاعر ، خسته و نا امید از همه جا قلم به دست می گیرد و با مادر خویش درد دل می کند ، گویی که مادر آخرین پناهگاهی ست که می تواند به او پناه ببرد و بغض هایش را بگشاید و در نگاه بی کران آن راهی فردا بیابد .

زن ، عشق و معشوق در شعر و ادبیات عرب :



# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

عشق از مضامین اصلی و پرکاربردی می باشد که همواره در شعر شاعران مطرح شده است . از دیدگاه شاعران معنی و مفهوم زندگی آن گاه به حقیقت می پیوندد که مقصود نهایی ، یعنی وصال در عشق حاصل شود . شعر ، مشحون عشق و راز و رمز های آن است . شاعران در معنای عشق و بیان احوال عاشق و معشوق و تب و تاب ایشان بسیار سروده اند ، بدان گونه که اگر عشق و معشوقه گری به زن را از شعر جدا سازیم ، آنچه می ماند کالبدی است بی روح . ( بهار ۴۵ ) عشق به معشوق زمینی زاده احساس است و آدمی از همان اوان زندگی با آن سر و کار دارد عاشق نمی تواند سر درونش را پنهان سازد و حتی اگر چنین کند " رنگ رخساره خبر می دهد از سر درون " شاعر برای التیام بخشیدن به زخ های درونش ، شع را به عنوان بهترین ابزار و بلندترین و بهترین لسان بیان احساسات درونیش انتخاب کرده است . زن در شمایی کاملاً خاص و ملموس در شعر عرب تجلی دارد . زن گاهی به عنوان زن ، گاهی به عنوان معشوق آسمانی و گاهی در هیئت موجودی کاملاً زیبا و شایسته ی دوستی و دوست داشتنی در کلام شعرای عرب بروز و ظهور می یابد که از آ جمله میتوان به اشعار نزار قبانی اشاره کرد . ادونیس در باره ی شعر نزار قبانی می گوید : ( آنچه موجب جنجال شدن شعر نزار قبانی در جهان شده است . برداشت و درک مخاطبان شعر اوست و همین امر باعث شده است تا قبانی بتواند جایگاه واقعی خود را در شعر معاصر پیدا کند . نزار قبانی بزرگترین عاشقانه سرا و شناخته ترین شاعر معاصر عرب در جهان می باشد . به قول شفیعی کدکنی ، هیچ شاعر نوین یا نوپردازی به اندازه ی نزار قبانی در میان عموم دوست داران شعر نفوذ نداشته و ندارد . ( شفیعی کدکنی ، ۱۳۵۹ ، ۱۱۳ ) . در اشعار نزار قبانی عشق او به زن موضوعیت دارد . عاشقانه سرایی او در حوزه ی زنان بازتاب همه ی زوایای ذهنی و ظریف زیبایی شناسی و روان شناختی و دیدگاه های شرقی اوست . عشق به زن محوری ترین موضوع شعری اوست و نگاه او در این زمینه نو ، بدیع و زیباست . در اشعار او بیش از هر چیز جرات ، بی پروایی در اختیار گرفتن مضامین بکر بی سابقه زیبایی تشبیهات و استعاره ها و شکوه تصویر محسوس است . و این هم در زبانی بسیار نرم و شیوا و همواره سهل و ممتنع و در وزن موسیقی روان القا می شود . نزار قبانی به صورت ذاتی شاعر سرشته شده و قدرت نقاشی با کلمات و به بردگی کشاندن لغات و اصطلاحات عربی را دارد .

رسایی این مضامین عاشقانه تنها از وسیله کارآمدی چون زبان شعری نزار قبانی بر می آید که به زبان گفتار نزدیک و از مفاهیم و عناصر فرهنگ عامه سرشار است . به گفته دکتر شفیعی کدکنی در شعر معاصر عرب :

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

نزار قبانی را شاعر زن و شراب می شناسند و چنین بیان می کند : شاید این عنوان برای بسیاری از خوانندگان رنگی از نوع ریشخند و استهزا داشته باشد اما این حقیقتی ست که او هیچ گاه منکر نشده است و با کمال شهامت از این خصیصه ی شعری دفاع می نماید . اگر چه در سال های بعد از جنگ اعراب و اسرائیل نزار گرایش به شعر سیاسی نشان داد اما جان و جمال اصلی شعر او همان عاشقانه های اوست . ( شفیع کدکنی ، ۱۳۵۹ ، ۱۱۴ ) .

نزار قبانی یکی از رقیق ترین و لطیف ترین زبان های شعری را که در مرز زبان وحشی شعر مدرن و زبان ایستا و کلیشه وار قدیم قرار دارد برگزیده و با این زبان به وصف حالات عاشقی خود و توصیف تاملات خود در باب زن پرداخته است .

زن در نزد نزار موجودی کاملا برتر و مقدس است او زن را سر چشمه ی آفرینش و زایش و روح حیات و زندگی می داند نزار تعریف و تفسیر زن را امری محال و در حکم مرگ معنای واقعی آن می پندارد . او در باره ی ماهیت زن می گوید : سوال ... لا ارید له جوابا ... لان تفسی الاشیاء الجمیله یقتلها ( اسوار ، ۱۳۸۳ ، ۳۴۶ ) سوالی ست که هرگز قصد پاسخ گفتن به آن را ندارم ، چرا که هستند چیزهایی زیبا که جواب دادن در حکم قتل آنهاست . نزار قبانی زن را جزء لاینفک جدا نشدنی شعر می داند . نزار موسیقی شعر را در پژواک صدای زن جستجو می کند . عشق از جمله به معشوق و زن قسمت اعظم آثارش را در بر می گیرد . از این زاویه می توان نزار قبانی را شاعری فمینیست در قرن حاضر ذکر کرد . او در اشعار عاشقانه ی خود در حوزه زن مشکلات زن را در جامعه عرب به نقد می کشد و در صدد کرامت بخشیدن به زن می شود و با این نگاه که زن موجودی قابل احترام است و باید در جامعه به جایگاه در خورشان برگردد شعر سرایی می کند . نزار قبانی معتقد است وجود زن است که باعث شده تا مرد به اندیشیدن وادار شود و فقط به هوا و هوس زودگذر فکر نکند ، بلکه به جنبه های معنوی انسان بیندیشد . ناقدان شعر عرب معاصر بر این باورند نزار قبانی از زن و عشق زن شعر سرایی کرد تا زنان را از چنگ مردان جاهل قبایل عرب نجات بخشد .

علمنی حبک ان الحزن و انا محتاج غند عصور

لا امراه تجعلنی احزن لامرہ آبکی بین ذراعها مثل العصفور

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

( قبانی، ۷۰۱ )

بسیاری از بزرگان ادبیات عرب بر این نظر اتفاق دارند که مفهوم عشق به زن در نزد نزار قبانی، مقوله ای شخصی که حاصل زندگی شخصی خود شاعر بوده باشد نیست، بلکه هر گاه از عشق به زن حرف می زند، تبدیل به روحی می شود در کالبد یکایک انسان های عربی معاصر که می خواهند همراه با تحولات سیاسی فرهنگی و اقتصادی، به درک تازه ای زن و عشق به او برسند. شعرای عرب، عشق مخصوصا عشق به معشوق زمینی را به صورت پدیده ای خارق العاده و چیزی شبیه معجزه وصف می کند که ناممکن را ممکن می سازد و هر دو برای خود در عشق رسالتی قائل هستند که خود، دستورات و احکام آن را نوشته اند و عشق را امری حتمی و غیر اکتسابی می دانند که بی شک در زندگی انسان ها به وقوع می پیوندد و بدون هیچ مقدمه ای وارد زندگی افراد می شود. عشق به زن از دیدگاه آنان لذتی مثبت است که موضوع آن زیبایی ست، همچنین احساس عمیق، علاقه ای لطیف و یا جاذبه ای شدید است که محدودیتی در کیفیت و کمیت آن وجود ندارد و می تواند در جلوه ای در زن ظهور کند. گاهی عشق بیش از حد به زن می تواند شکلی تند و سخت و غیر عادی به خود بگیرد که گاه زیان آور و خطرناک است و گاه موجب احساس شادی و خوشبختی می شود. جمعی از محققان انسان شناس و نژاد شناس آمریکایی طول مدت عشق را سه سال قلمداد نموده اند و باور دارند این حس زیان سه سال دوام دارد. طول مدت عشق دیوانه وار هم ۷ ماه است و بعد از شدت آن کاسته می شود.

زنانی که در شعریت شاعران عرب زبان تاثیر گذاشته اند و سبب سرایش شعری به مناسبت حضور خود داشته اند گر چه اندک است لیکن با مهارت خاصی معشوقه خود را با زبانی سهل و ممتنع ستوده اند. نزار قبانی در کتاب داستان من و شعر به روشنی به این مسئله اشاره کرده و می گوید: (( زنانی که در من اثری کرده اند و در باره ی آنان شعری سروده ام قلیل و کم هستند. اینچنین نیست که هر زنی که با او رابطه ای داشته ام، سبب هیجان طبع شعر من شده و هر دوستی با زنی، رغبت مرا به شعر سرودن انگیزته باشد. بسیاری زنان از زندگی من همان طور که آمده اند، خارج شده اند و پشت سر خود یک حرف یا یک (ویرگول) بجا نهاده اند. ))

یوسفی، بکار، ۱۳۵۶ ه. ش، ۱۲۸ )

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

از مهم ترین عناوین شعری شاعران معاصر عرب میتوان به: زن مظهر آفرینش و زایش، زن پاره ی دوم شاعر، زن مایه ی الهام شعری، زن مظهر عشق، زن و سوژه ی جنسیتی، زن مظهر مکر و فریب، زن مظهر خیانت و بی وفایی، زن مظهر نا بخردی، آزادی زنان، تعلیم تربیت زنان، نابرابری زنان در جامعه، زن و زیبایی، ستایش از همسر، مشارکت در فعالیت های اجتماعی، بردگی و ظلم به زنان، زنان و مردان جاهل قبایل عرب ( اشعار نزار قبانی )، زنان و محدودیت های اجتماعی اشاره کرد که شاعران معاصر عرب زبان با آن دست و گریبان بودند. شعر معاصر عرب در نیمه ی قرن بیستم شاهد تغییرات بسیار زیادی در زبان شعری بود. نخستین چیزی که در دگرگونی زبان شعر امروز ملاحظه می شود استفاده از صورت ها و شیوه های زبان گفتار عادی است که خود متأثر از عوامل متعددی می باشد. یک جنبه از این تاثیرات ورود عبارات و مثل های رایج در زبان محاوره به شعر است. ( اسوار، ۱۳۸۱: ۹۰ ) در دوره معاصر زنان ایران و عرب همواره همپای مردان خود در تحول و دگرگونی جامعه و ایجاد دورانی جدید در فرهنگ و ادب امروز سهیم بوده و موفق به آفرینش و ابداع تجربه های نو در ادب این سرزمین ها شدند. یکی از مهم ترین این تحولات و دگرگونی ها، تغییر نگرش همزمان شاعران معاصر ایران و عرب به مساله ی زن می باشد. آداب و رسوم دیرین و کهن فرهنگی در بخش های متعددی از جهان عرب نیز عامل اصلی رشد کند فعالیت های ادبی زنان بود. موانع بسیاری از بیان احساسات و درونیات زن در نوشته ها و اشعارش می شد و قید و بند های بسیاری آزادی زنان را در نظام جامعه به عنوان موجود درجه دوم باقی بماند و وظایف آن به خانه داری، بچه داری و بخش ناچیزی از فعالیت های اجتماعی تنزل یابد. ( حنان عواد، ۱۹۸۹: ۱۷ ) زن عرب در نتیجه ی افزایش آگاهی و آموزش و شرکت در فعالیت های اجتماعی و ادبی خویش و واکنش به نابرابری جنسی توانسته در روزگار جدید حقوق جدیدی به دست آورد و تا حدی نگرش جامعه و نیز شاعران را به زنان تغییر دهد. ولی این دستاورد ها هیچ گاه تاثیری در وضع اکثریت زنان نداشته (( اینان در زندگی خانوادگی و اجتماعی خود محکوم سنت های کهن و ارزش های اخلاقی دوگانه ای هستند که بار آنها تنها بر دوش زنان حمل می شود. )) (السعداوی، ۱۳۵۹: ۳۱۸) حقیقت مسم آن است که زن به طور کلی در بیشتر جوامع عربی مورد بی توجهی قرار گرفته تا اینکه در اوایل قرن بیستم بعد از انتشار دو کتاب قاسم امین با عنوان (( تحریر المراه ۱۹۱۰ )) و (( المراه الجدیده ۱۹۱۱ )) تنها شرق اسلامی بلکه غرب دست به کار شد و نامه هایی از فرانسه جهت تاسیس مدارس دختران ارسال شد و به تدریج برنامه هایی همسو با جنبش طرفداران زنان در جامعه عربی پا گرفت.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

زن، عشق و معشوق در شعر و ادبیات فارسی :

زن در زندگی انسان ها، منبع عشق به حساب می آید، جامعه ای بدون زن، جامعه ای خشک و بی روح است. عشق به زن انگیزه ای ست برای شاعران. خداوند این جهان را بر اساس عشق آفریده است و زن مظهر آرمانی عشق محسوب می شود و شعر مطمئن ترین جایگاه برای بیان این احساس است. زیرا شعر خلق مدام است و این خلق مدام به دست زن صورت می گیرد. (سیمای زن در فرهنگ ایران، ص ۱) عشق به زن باعث آفرینش شعر می شود، پس زن، در واقع خالق شعر شاعران است و این خالقیت ما را به یاد خالق آفرینش می اندازد. مقایسه ی مضمون زن و عشق به او نزد شاعران معاصر فارسی زبان از جهات مختلف قابل بررسی ست. زنی که شعرای فارسی زبان به تصویر می کشند نه فقط زاینده ی اندیشه و خیال خود او بلکه محصول تغییر جهان به مقوله زن و عشق است. انسان گرایی و صورت زمینی دادن به چهره ی معشوق فرآیندی ست که کم و بیش زاینده ی روح مدرن است. البته هنوز هم عناصری چون هجر و فراق و سوختن برای وصل معشوق، اجزایی هستند که به شعر فارسی معنا و رنگ می دهد به همین دلیل است که می توان ادعا کرد شعر این شعرا معنایی را به بحث گذاشته است که بیش از این چندان جذاب دانسته نمی شد. آنان از عشق در عین وصل صحبت می کنند، از یگانگی و همدلی و از معشوقی که چون خود آنها عاشق است. (منصوره تبریزی، ۱۳۸۶) شاملو یکی از برترین شاعران غنایی معاصر محسوب می گردد. از نظر احمد شاملو عشق به زیباترین زنان مفهوم سبزی خاک را به همراه دارد و در چنین سرسبزی میتوان شکوفا شد. (شناخت نامه احمد شاملو، ص ۲۲۱) شاملو در مواردی دیگر عشق را بهانه ی زندگی می داند و به غیر از عشق همه چیز و همه کس را به باد انتقاد می گیرد. عشق بری او دنیایی مقدس است که دنیای کنونی ما فرسنگ ها فاصله دارد: جز عشق جنون آسا، هر چیز این جهان شما جنون آساست، جز عشق به زنی که من دوست می دارم (باغ آینه، ص ۶۵) گاهی برای تجلی عشق، شاعر از واژه هایی استفاده می کند که لطافت و رهایی و روشنایی را می توان از آن فهمید، در شعر شاعران ایرانی معاصر این زن هست که عاشق هست و از نکته های عشق سخن می گوید. گاهی شکوه دارد و گاهی سپاس، گاهی از عشق سرافراز است و گاهی سرافکننده، اما هر چه هست بار عشق را به دوش می کشد و به عشق به عنوان یک دریچه برای رهایی و پرواز می نگرد.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

(زن و شعر، یزدانی زینب ص ۲۱۴) فروغ یکی از شاعران نامی ادبیات معاصر ایران است. دارای زبان شعری سهل و ممتنع که برگرفته از روح زنانگی اوست لطافت خاصی به اشعارش بخشیده است. عشق در شعر فروغ فرخزاد رنگ و جلای خاصی دارد، شعرهای عاشقانه ی او در ابتدا رنگ زمینی دارد اما در دوره های بعدی این عشق زمینی جای خود را به عشق آسمانی میدهد و این عشق است که باعث هنر آفرینی او در عرصه های ادبیات و هنر می شود. احمد رضا احمدی (( از زن عاشق )) چنین تصویری ارائه می دهد: ولی زن بیدار شد و عاشق بود، گل های آفتابگردان عطر خصوصی گل های یاس را در جمعه باور نداشتند. ( همه ی آن سال ها، ص ۲۸۵) در شعر نیما یوشیج شاعر از زنی سخن می گوید که تن به کارهای سخت می دهد تا زندگیش را اداره کند چنین زنی از نظر نیما قابل ستایش است. تصویر غم و اندوه و ناامیدی بیش ترین و برجسته ترین جنبه ی سیمای زن را در شعر معاصر را تشکیل می دهد. این اندوهناکی و ناامیدی در شکل های گوناگون به تصویر کشیده شده است. که میتوان به اشعار فروغ فرخزاد اشاره کرد که در اشعارش بی رحمانه مورد ستم قرار می گیرد و در زیر اندیشه های پوچ و عقیده های بی اساس خورد می شود. فروغ همچنین به عشق دخترانی نیز پرداخته است که عاشق اند و دلباخته، دخترانی که به خاطر زود باوری، پنجره ی نگاه را به روی خود می بندند و در کنج تنهایی و یاس و ناامیدی وجود خود بیتوته می کنند. (زن و شعر، یزدانی زینب، ص ۳۷۴) در اشعار حمید مصدق نیز چنین بارزه های شعری بروز و ظهور یافته و وی از زنان نا امید و اندوهگین می گوید. واژه هایی همچون زن و فقر، زن و ناهنجاری های اجتماعی و بد کنشی ها، زن نقش مادری، زن و آلودگی های اجتماعی، زن و چشم انتظاری ها ( اشعار فروغ و شاملو )، زن و صبوری، زن و سکوت، زن و اسارت، زن و تنهایی، زن در مقام همسری، زن و باورهای مذهبی، زن و همانندی، زن در نقش خواهر در اشعار شاعران معاصر، زن ابزار عیش و نوش، زن و بی عدالتی، زن فرشته انس، زن و اثری بودن، زن و تشبیه سازی، زن و گریه و اشک و داغ، زن و اعتراض، زن و شکنجه، زن و تلمیح ( اشعار حمید مصدق، سهراب سپهری )، زن ابزار تبلیغ، زن و جنگ، زن و بی پناهی، زن و منش های خجسته، بی وفایی همسر به زن، بی وفایی زن نسبت به همسر ( اشعار فریدون مشیری، مهدی اخوان ثالث ) زن و جگر آوری، گفت و شنود همسر با زن، زن و توصیف ( اشعار بهبهانی، سهراب سپهری ) زن و سادگی، زن و بد سگالی، زن و اندرز، زن همراه همسر، زن و سوگواری تقدیم شعر به شاعران زن از جان مایه های اصلی شعر شاعران معاصر ایرانی در این مقوله محسوب می شود. شاعران معاصر ایرانی در آفریده ی سروده هایشان از

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

عشق و علاقه ی زنی الهام گرفته اند و تمام شعرهایشان را به چنین زنی تقدیم کرده اند . زن به مرد حیات و زندگی می دهد ، عشق به او زیبایی را آشکار می کند و مرد را به واقعیت وجودی خود می کشاند در دافع زن رمز طبیعت است و به قول جلال ستاری : (( زنان هر سرزمین ، شاعران سر زمین اند ، شعر که چون گل می شکفتد و یا پژمرده می شو ، تا جامعه چه پایگاهی به وی اعطا کند . )) ( سیمای زن در فرهنگ ایران ، ص ۱ ) ( زن و شعر، یزدانی زینب ، ص ۳۵۹ ) از جمله ی شاعران معاصر می توان به نصرت رحمانی و شفیع کدکنی اشاره کرد که سروده هایشان را به زنی خاص پیشکش کرده اند . زنان در نگاه شاعران معاصر فارسی زبان وارثان حقیقی عطوفت و مهربانی هستند و تصویر روشن زندگی در نگاه عاشقانه ی آنان شکل می گیرد ، زنان انسان آفرینند و بی گمان پس از ایزد بزرگ ، آفریننده ی جهانند . عشق در زن بی تردید از منبع عشق ازلی سرچشمه گرفته است و اگر مرد تندیس ی افسرده ی عقل است . زن تجسم شعهور عشق است و در هیچ پدیداری از پدیدارهای این گنبد دوار سماع عاشقانه ی بودن را چونان پدیدار " مادری " نمی توانیم به تماشا نشینیم و این گونه است که شاعران پارسی گوی ایران زمین فراوان از زن سخن رانده اند و غنای شعرشان را با آن پیوندی ژرف زده اند . ( زن و شعر ، یزدانی زینب : ۱۳۸۹ )

در بین شعرای فارسی زبان معاصر شاملو عشق به زن را بیشتر در اندیشه ی زن جستجو می کند تا بعد جسمانی او . همواره شاملو در فکر رشد اندیشه های متعالی زن است و بر این باور است با رشد اندیشه های یک زن که مسیر ترقی و پیشرفت با او میسر می گردد . شعر شاملو در احترام به حقوق زنان چنان پر رنگ بود که نگاه غیر همگون جامعه را در این مسئله در پی داشت و شعر او به تنهایی بیش از هر چیز و هر ارکانی در شکل گیری اندیشه الزام به حقوق زنان موفق بوده است و نقش مهم و غیر انکاری ایجاد کرده است . زن در شعر شاملو در ۵ رکن قابل بررسی و مطالعه است .

معشوق سنتی ، زن اثیری ، بانوی ذهن شاعر ، معشوق واقعی ، زن در جایگاه مادری .

از عواملی که باعث شد شاملو در این زمینه قلم سرایی کند شرایط خاص جامعه و تداعی خاطرات شاعر بوده که شاملو را در این وادی کشید . او تلفیقی از عشق از عشق سنتی سنتی و مدرن را آمیخت و تعریف جدیدی را در عصر حاضر برای زن ارائه کرد که این تعریف در راستای ارتقای شخصیت و تفکرات و اندیشه های زن خلاصه می شود .

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

عشق به زن در قالب اجتماع مهم ترین و بزرگترین مضمون شعری شاملوست ، شاملو عشق به زن را در روح تک تک اعضای جامعه ی خود جستجو می کند و درد او براستی اجتماع بود ، او شاعری ست که عشق به زن را برای اولین بار از دیدگاه عشق فردی به عشق اجتماعی مبدل کرد و توانست در منظر دید افکار عمومی با سلاقی مختلف قرار دهد . احمد شاملو چهره ی سنتی در زن را بیشتر به صورت بدیع بروز می دهد و به زن قهرمانی می بخشد . تمام هم و غم او، نیاز به انسانی برای یگانه شدن می باشد . شاملو در زندگی شخصی خود به واسطه ی آشنایی با آیدا توانست عشق به زن را تصور کند و بر عکس عشق های سنتی او عشق را به واسطه ی رسیدن به معشوق خود ( آیدا ) در آغوش او یافت نه در دوری و هجر او . زمانی که دستش در دستان آیدا آرام گرفت به زیبایی عشق پی برد . هر چند همچون نزار قبانی شاملو هم به تصویری از عشق رسید که شاید از دیدگاه دیگران مبتدل بود ولی شجاعانه بر آن پافشاری کرد و انتقاد های وارده را در منظر سلاقی افکار عمومی محکوم نمود . شاملو عشق و محبت را جایگزین نگاه مبتذلانه به زن نمود . آخر تمام عاشقانه ها شروعی شد برای یک داستان که سراسرش مهر بود و همدلی . دنیایی که در آن قلمرو ناز و کرشمه معنایی نداشت ، چرا که عشق فرصتی برای از دست دادن و عشق ورزی باقی نمی گذاشت .

من و تو یک دهانیم / که با همه ی آوازش / که زیباتر سرودی خواناست / من و تو یکی دیده گانیم / که دنیا را هر دم / در منظر خویش تازه تر می سازد ( من و آیدا در آینه )

در اینجا زن به جایگاه حقیقی انسانیش در مقام کسی بر می گردد که صاحب هویت زمینی و شناسنامه است ( بهداروند ، ۱۳۸۰ ) . آیدا زنی بود که شاملو به او اتکا کرد و برای همیشه با او بود ، بزرگی شاعر در نگاه زن او را بزرگ کرد آنقدر که می شد چشم بر درد مردمی که زاینده ی درد بودند بست . از بارزه های مهم شعر شاملو در مقوله ی زن پرداختن به ابعاد جسمانی زن است . همانطور که گفته شد در اشعار نزار قبانی و احمد شاملو عشق زمینی آنها نه مانند مولانا صوفیانه و نه مانند حافظ غیر جسمانی ست بلکه عشق آنها دارای بعد جسمانی مثل وصال ، بوسه و هم آغوشی ست و این واژگان جسمانی در شعر این دو شاعر خودنمایی می کنند که این مطلب اولاً : ناشی از دوری نمودن از عشق سنتی و یک طرفه و ورود به دوران عشق مدرن می باشد ثانیاً : از دل بزرگ ، جسور و درد کشیده ی این دو شاعر و شرایط خاص اجتماعی منشا گرفته است .



# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

آن لبان / از آن پیش تر که بگویند / شنیدنی ست / آن دست ها / پیش از آنکه گیرنده باشند / می بخشند /  
تماشائست ( سرود پنجم ، آیدا در آینه )

هر مردی / پس از من / تو را ببوسد / بر لبانت / تاکستانی را خواهد یافت / که من کاشته ام / نزار قبانی  
روح و روان شاملو قبل از آیدا مورد هجمه و نامردی و بی مهری قرار گرفته بود که بهبود آن همه آلام به چیزی  
شبه معجزه می ماند و شاملو تصویر رسیدن به زنی مثل آیدا را برای خود نا ممکن می دانست وقتی آیدا را با  
آن مشخصات دست نیافتنی در کنارش حس کرد پذیرش این مسئله برای او که زن آرمان هایش را یافته است  
آسان نبود تا اینکه پی برد آیدا جزئی از وجود اوست و این را مدیون عشق می دانست که امیدوار بود روزی  
عشق معجزه وار در زندگی او بدمد و پایانی باشد بر همه ی تلخ کامی های گذشته . آیدا جدا از شاملو نبود  
که بعدا به او ببیند و شاملویی که بعد از سپری کردن آن همه سختی با وجود رسیدن به عشق زنی به نام آیدا  
به جایی رسید که او را یکی از بزرگ شاعران معاصر ایران زمین می دانیم . اگر نبود عشق آیدا و اگر نبود  
نگرش رسالت وار شاملو به عشق ، هرگز نمی توانست آن همه زخم روحی را در جود خود به فراموشی  
بسپارد و التیام بخشد . عشق آیدا روح و روان مجروح شاملو را چنان متحول کرد که شاملو توانست با بازیابی  
خود گام در مسیر موفقیت و پیشرفت بگذارد چرا که به رویین تنی عشق ایمان قلبی داشت .

من و تو یکی شویم / از هر شعله ای برتر / که هیچ گاه شکست را بر ما چیرگی نیست / چرا که از عشق  
رویین تنیم ( من و تو ، آیدا در آینه )

وقتی به رابطه ی عاشق و معشوق در شعر شاملو فکر می کنیم چیز دیگری جز واژه ی همدلی و محبت به نظر  
نمی رسد . ( عدنانی ، ۱۳۷۹ ، ۳۴۸ )

شاملو خالق واژه های زیبا و ظریف در مورو وصف زن است و این نکته از بارزه ی مهم شعری اوست . زن  
شعر شاملو یک معشوق شکار شده نیست ، او خالق ، فاتح ، و آفریننده ی عشق است . او نیز همانند عشق  
خود عاشقی را زیسته است و خود را و زندگی را در لحظه لحظه ی وجود مردش ، در اشک و لبخند او ، در  
شکست و پیروزی او معنا کرده است . ( منصوره تبریزی ، ۱۳۸۳ )

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

چندان که بگویم / امشب شعری خواهم نوشت / با لبانی متبسم / به خوابی فرو می رود / چنان چون سنگی /  
که به دریاچه ئی / و بودا / گه به نیرو انسان شبانه / درخت و خنجر و خاطره

از دیگر بارزه های مهم زن شعر شاملو این است که نه خود شیفتگی دارد و نه خود برتربینی ، بلکه ساده است  
بر خلاف شاعران دیگری که به زن در شعرشان با زنان دیگر تفاوت های اساسی قائلند . شاملو زن را در شعر  
خود ساده و بی تکلف معرفی می کند . زن شاملو از شهرت ، مقام ، زیبایی ظاهری به دور است چرا که معتقد  
است نباید برای خصایص این چنینی زنی را ستود و ابراز کرد ظاهر زن در شعرهایش جایگاهی ندارد بلکه این  
روح بزرگ و اندیشه ی زن هست که باید مورد توجه و تکریم و تمجید قرار بگیرد . او معتقد است عشق به  
زن جز با از خود گذشتن به دست نمی آید . به گفته فرخزاد رابطه ی زن با شاعر در اشعار شاملو شبیه مادری  
فداکار است . در اشعارحسین منزوی زن همانند اشعار شاملو به صورت موجودی کاملاً زیبا از نظر ظاهری  
توصیف نمی شود و اکثراً به صورت عشق اساطیری و دست نیافتنی در اشعار حسین منزوی ظهور و بروز پیدا  
می کند . وی پرداختن به زنان را مدیون فضا و شرایط خاص اجتماعی روزگار مدرن می داند . زن در اشعار  
آن دو از لحاظ بعد روحانی و جسمانی و شرایط روحی و روانی آن دارای نقاط مشترک هستند . هر دو تلاش  
دارند تا با اصالت بخشیدن به زن جایگاه او را ارتقاء دهند . آنان به زن نگاه فرا سرزمینی دارند و در جهت  
اعتلای فرا سرزمینی شخصیت زن شعر سرایی می کنند و نگاهشان صرفاً محدود به زنان سرزمین خود نمی  
باشد . منزوی عشق به زن را بیشتر در اندیشه ی زن جستجو می کند تا بعد جسمانی او ، هر چند تفکراتش  
تضادهایی با تفکرات شاعران معاصر عرب از جمله نزار قبانی دارد که میتوان به رگه های مغایرت در نحوه  
نگرش این دو شاعر به ماهیت وجودی زن اشاره کرد . . شعر منزوی بر خلاف شعر نزار قبانی در احترام به  
حقوق زنان آنچنان پر رنگ نبوده که نگاه غیر همگون جامعه را در این مسئله در پی داشته باشد و شعر او به  
تنهایی بیش از هر چیز و هر ارکانی در شکل گیری اندیشه الزام به حقوق زنان موفق نبوده است . زن در شعر  
حسین منزوی در موارد ذیل قابل بررسی و مطالعه است : معشوق سنتی ، بانوی ذهن شاعر ، معشوق واقعی ،

از عواملی که باعث شد منزوی در این زمینه قلم سرایی :

شرایط خاص جامعه و تداعی خاطرات شاعر بوده که منزوی را در این وادی کشید . او تلفیقی از عشق از کند  
عشق سنتی سنتی و مدرن را آمیخت و تعریف جدیدی را در عصر حاضر برای زن ارائه کرد که این تعریف در

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

راستای ارتقای شخصیت و تفکرات و اندیشه های زن خلاصه می شود. عشق در اشعار منزوی به گونه ای زنده و پویاست که وی را به (شاعر همیشگی عشق) بدل کرده است. از دید منزوی عشق کلید درهای بسته و درمان هر دردی ست. منزوی بر این باور است که زندگی بدون عشق مساوی ست با عدم و او عشق را محور و اساس زیستن می داند و مانند حافظ عالم هستی را طفیل وجود عشق می شمارد

تو، عشق را به همه عاشقان می آموزی ستاره را به شب و آسمان می آموزی

پری نئی و به صورت چنانی از خوبی که حسن را به پری زادگان می آموزی

چگونه مهر نوزد دلم به ساحت تو تویی که مهر به هر مهربان می آموزی

تو سبز را به درختان سرو می گوئی تو سرخ را به درخت جوان می آموزی

خدا و گر نه مسیحایی، ای دوباره من چنین که با تن بی جان روان می آموزی (شوکران و شکز غزل ۶۲)

شاعر از معشوق می خواهد که با زبان عشق سخن بگوید که زبانی ست لطیف، روشن، سهل و ممتنع. یکی دیگر از جلوه های عشق منزوی عشق زمینی ست او در برخی از اشعار خود به وجود عشق زمینی بسنده کرده و آن را به عشق آسمانی ترجیح می دهد.

در میان شعرای معاصر عشق به زن و معشوقه در اشعار شهریار بروز و ظهور ویژه ای دارد، شهریار در آتش عشق سوخت و در عین حال با سرودن اشعاری که نشان دهنده ی سوز و گداز شهریار است بر عشق و وفاداری خود پافشاری کرد و آن را عرضه کرد، در پی وقایعی که بر زندگی وی گذشت و روزگار بر آن بسیار تنگ گرفت، روزگار و اهل آن را مورد مذمت قرار داده و از این سرزنش ها معشوقه اش هم مستثنی نبوده است. دادستان نافر جام عشق به معشوقه زندگی شهریار را بسیار تحت الشعاع قرار داد و این عشق نافر جام وی را که به هر مشقتی سال آخر رشته ی پزشکی را سپری و دوره انترنی را سپری میکرد به سبب پیشامد های عاطفی و عشقی از اخذ مدرک پزشکی منصرف کرد، کمی قبل از اخذ مدرک طبابت، پزشکی را رها کرد و به خدمات دولتی پرداخت. به قول خود شهریار، این شکست و ناکامی عشق، موهبت الهی بود که از عشق مجازی وی را به عشق حقیقی برساند. (ربابه رضانی، پریسا فیضی، ۹۶) شهریار روز های بسیاری را به

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

دور از معشوقه سپری کرده و تلاش هایش برای وصال معشوقه اش به ثمر ننشست و کاسه ی صبرش لبریز شده و لب به گله و شکایت گشود و در برخی موارد این سرزنش ها بسیار شدید بوده است .

از تو بگذشتم و بگذاشتمت با دگران      رفتم از کوی تو لیکن عقب سر نگران

ما گذشتیم و گذشت آنچه تو با ما کردی      تو بمان و دگران وای به حال دگران

( دیوان شهریار ، غزل شماره ۱۰۳ )

شهریار چنان شیفته عشق زمینی خود شد و آنچنان عشق او در سطح جامعه نقل محافل شد که در کوی و برزن صحبت از شهریار و معشوقه اش بود ، مدتی نگذشت که عشق شهریار و معشوقه اش سینه به سینه نقل میشد و جسم و جان شهریار در آتش این عشق می سوخت . کمتر شاعر فارسی زبان معاصری را میتوان یافت که این چنین عشق به زن زندگیش را تحت تاثیر قرار داده باشد عشقی که تا همیشه در تارک آسمان شعر و ادب ایران به یادگار ماند و تا همیشه خواهد درخشید . عشق به زن را می توان از مقوله های مهم شعر شهریار دانست وی آنچنان سوزناک معشوقه اش را ستوده و یا از بی وفایی او لب به شکوه گشوده که این اشعار جان سوز چنگ بر دل همه مخاطبین شعری وی انداخته و هر کس هر جا بی وفایی از معشوق می بیند شعر شهریار را زمزمه می کند که گویی شهریار این شعر را از زبان وی سروده است . شهریار در اشعار خود تنها به جسم زن نپرداخته بلکه خصایص و بارزه های اخلاقی و منش اسلامی و انسانی زن را مورد تاکید قرار داده است ، شهریار با زبان شعری سهل ممتنع و با تکیه بر مسند مردانه و بدور از هر گونه پرده دری و بی عفتی در اشعارش تنها معشوقی را وصف می کند که تا آخر عمرم در غم هجران تو سوخت و جوانی و همه آرزوهایش را بدون معشوقه ی خود تصور نکرد و بدون وصل لذت آنها را نپذیرفت . وفاداری به معشوقه از بارزه مهمی ست که کمتر در اشعار سایر شعرا از جمله شعرای معاصر عرب می توان یافت . با بررسی زندگی و عشق شعرای معاصر عرب به راحتی به این نکته می شود پی برد که وفاداری و تک معشوقه گری در شعر آنان رنگ باخته و این بارزه ی مهم اخلاقی به فراموشی سپرده شده بود . شهریار برای همیشه به عنوان یک شاعر ملی مردمی درس وفاداری را به دوست داران شعر و ادبیات آموخت و هر جا در عشق صحبت از وفاداری به معشوقه باشد بی گمان نام پر

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

آوازه ی شهریار خواهد درخشید . شهریار غرور مردانه خود را زیر پا گذاشته و با زبانی نرم و خاشعانه از معشوقه ی خود استمداد وفاداری و عشق می نماید ، افسوس که شرایط و موقعیت اجتماعی زمان شهریار باعث شد که معشوقه اش نتواند آزادانه معشوق خود را انتخاب کند و تن به ازدواج اجباری داد که این امر مورد اعتراض و شکایت شهریار با زبان شعری قرار گرفت .

پدرت گوهر خود را به زر سیم فروخت      پدر عشق بسوزد که درآمد پدرم

( دیوان شهریار ، غزل شماره ۸۳ )

## نتیجه گیری :

نتیجه ای که از مقایسه ی تطبیقی و بررسی مفهوم عشق ، زن و معشوقه در لسان شاعران معاصر ایران و عرب به دست می آید این است که با دقت در زندگی شاعران نام آور این دو قوم بزرگ می توان به رگه هایی از مشابهت ها در زمینه ی مضمون زن و عشق و معشوق زمینی پی برد . گر چه نوع کیفیت و کمیت عشق و معشوق زن در هر دو شاعری با همدیگر تفاوت دارد و زمینه های عشق به زن در شعر هر دو شاعر خودنمایی می کند و این منجر به آفرینش های آثار شعری و پیشرفت های آنان در شعر و اجتماع می گردد . این عشق همانند آتش زیر خاکستر در لابلای اشعارشان پنهان بود و هر ازگاهی خود نمایی می کرد . عشق پنهانی و درونی و البته بسیار عمیق تر و شدید تر و در اشعار شاعرانی بزرگ همچون نزار قبانی نیز خود نمایی بیشتری می کند . نزار قبانی با اینکه زن داشت متاهل بود ولی به علت اتفاقات عمیق درونی با همسر اولش (زهره از قبیله آل بیهم دمشق ) همیشه در اشعارش عشق بی پایان خود را به یک زن آرمانی ابراز می کرد . البته شایان ذکر است که مشاهده ی مظلومیت زن به عنوان جنس دوم در جامعه ی عرب نیز عشق او را به این جماعت مظلوم بیشتر و بیشتر می کرد و زبان او را به ستایش زنان و ابراز عشق به آنان بیشتر می نمود . لذا عشق به زن و معشوقه ی زمینی در اشعار نزار قبانی آنچنان عمیق و شدید و گسترده است که او را به یکی از حامیان حقوق زن تبدیل کرده است . شاعران معاصر نیز مانند شاعران کلاسیک و سنتی ادب فارسی و عربی چهره زن و عشق او را در جامعه از نظر دور نکرده اند و نقش معشوقه گری او را تحسین کرده اند ، عشق او را عشقی پاک و اثری و وجودش را وجودی مقدس دانسته و احساس فراوان با احساس و نغزی را سروده اند . ملک الشعرای

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

بهار بر این باور است که زنان مظهر عشق و مادران نمونه های عاشقی و هیچ کس در عشق با آنان برابری نمی کند . گاه مضامین و درون مایه های اشعار و سروده های شاعران معاصر ایران عرب در مقوله زن به عنوان معشوقه و عشق زمینی کاملاً با هم مطابقت داشته و از جهات بسیاری با هم قابل مقایسه اند . همه ی این شاعران عشق زن را عشقی پاک و مقدس دانسته اند . تصاویری که در شعر معاصر ایران و عرب به چشم می خورد مادر بودن و معشوق و زن محبوب است . شاعران معاصر ایران و عرب زن را مایه ی الهام شعری خود قرار داده اند و نقش عشق به زن را در برانگیختن احساسات و تخیلات شاعرانه نقشی مهم و غیر قابل انکار می دانند و به تصویر کشیدن عشق زن را زیبا می دانند از این رو زن از زمان های بسیار دور تا به امروز همواره الهام بخش خاطر شاعران بوده و هست ( دیب ، عوضه رضا ، ۱۷۹۸: ۴۷ ) . زن الهام بخش و به عبارتی خلق کننده آثار هنری در طول قرون و اعصار بوده است . ( کاشانی ها ، ۱۳۸۳ : ص ۱۱۶ ) چشمه های جوشان هنر و اندیشه همواره در اقدام و عمل زن و عشق اوست . ( دوبار ، سیمون ، ۱۳۸۰: ج ۱ / ۲۲۶ ) زن قطب اصلی شعر و مایه ی اثر هنری و آفرینش ادبی ست . زن با مهر زندگی می کند ، زن مظهر آرمانی عشق است . چون شعر مدام است و این خلق ، مدام به دست زن صورت می گیرد . بدین معنا که زن نفسا و روحا به مرد حیات می بخشد . زن مرد را به جهان می آورد و به وی جانی تازه و زندگانه ای گسترده عطا می کند . ( ستاری ، جلال : ۱۳۷۵ ) برداشت های شعرای ایران و عرب در خصوص زن و عشق ورزیدن به معشوق متأثر از شرایط اجتماعی و تجربیات فردی و روحیات شخصی می باشد . عشق ، آزادی و انسان گرایی و وطن دوستی مهم ترین بارزه ی شعری شعرای ایرانی ست . بسیاری از بزرگان ادبیات بر این نظر اتفاق دارند که مفهوم عشق به زن در نزد شعرای معاصر ایران و عرب ، مقوله ای شخصی که حاصل زندگی شخصی خود شاعر بوده باشد نیست ، بلکه هر گاه از عشق به زن حرف می زنند ، تبدیل به روحی می شود در کالبد یکایک انسان های معاصر که می خواهند همراه با تحولات سیاسی فرهنگی و اقتصادی ، به درک تازه ای زن و عشق به او برسند . آنان عشق به معشوق زمینی را به صورت پدیده ای خارق العاده و چیزی شبیه معجزه وصف می کند که ناممکن را ممکن می سازد و هر دو برای خود در عشق رسالتی قائل هستند که خود ، دستورات و احکام آن را نوشته اند و عشق را امری حتمی و غیر اکتسابی می دانند که بی شک در زندگی انسان ها به وقوع می پیوندد و بدون هیچ مقدمه ای وارد زندگی افراد می شود . عشق به زن از دیدگاه آنها لذتی مثبت است که موضوع آن زیبایی ست ، همچنین احساس عمیق ، علاقه ای لطیف و یا جاذبه ای شدید است که محدودیتی در کیفیت و

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

کمیت آن وجود ندارد و می تواند در جلوه ای از زن ظهور کند . گاهی عشق بیش از حد به زن می تواند شکلی تند و سخت و غیر عادی به خود بگیرد که گاه زیان آور و خطرناک است و گاه موجب احساس شادی و خوشبختی می شود. در دوره ی شعر معاصر ایران و عرب به مدد شاعران آزاد اندیش ، نو اندیش و پر توانی نظیر ژاله قائم مقامی ، فروغ فرخزاد ، احمد شاملو ، غاده السمان ، نزار قبانی ، بدر الشاکر السیاب و ... نگرش و دید تازه ای نسبت به زن به وجود آمد که در سایه ی آن به شخصیت طبیعی و معمولی زن ایرانی و عرب جان دوباره ای بخشیده شد و هویت فردیت مستقلی به زن داده شد . که تا به امروز فاقد آن بوده است . در شعر امروز ایران و عرب چهره ی انسان تری از زن ترسیم می شود و تا حدودی تصویر واقعی تری از زن ارائه می شود . اما باز بسامدهایی از همان تصویر کهن در شعر معاصر نیز نمود می یابد و همان بی انصافی ها و بیداد ها ، ستم ها در حق او مشاهده می شود و باز هم گاه طرح های سایه ای و نقش های حاشیه ای و کلیشه ای از زن به چشم می خورد . در مورد بسیاری نگرش شاعران معاصر به زن از همان ذهنیت سنتی و مرد سالارانه ای سر چشمه می گیرد که زن را به عنوان جنس دوم و معشوق و ابزار لذت یکسویه ی مرد بر می شمارد و زن را در همان مناسبات قدیمی و سنتی قرار می دهد و هیچ نقش فعالی برای او متصور نمی شود . بر این اساس می توان گفت زن در شعر معاصر ایران و عرب دو نمود مشخص و بارز دارد : یکی طرح و تولید تصاویر نو که تاکنون در شعر ایران و عرب مسبوق به هیچ سابقه ای نبوده و متأثر از تحولات جامعه در قرن حاضر و تاثیر آن در شعر بوده و در واقع از تغییر نگرش نسبی شاعران معاصر ایران و عرب تشات می گیرد و شامل موضوعاتی نظیر آزادی ، برابری ، لزوم توجه به تعلیم و تربیت زنان و مشارکت آنان در امور و فعالیت های اجتماعی می گردد و از رشد و بهبود جایگاه اجتماعی زن حکایت دارد و دیگر تلقی مشابه شعر معاصر و کلاسیک ایران و عرب از زن که در واقع ادامه همان موضوعات شعری دوره های پیشین می باشد و مواردی نظیر زن مایه ی الهام شعری ، زن پاره ی دوم ، زن مظهر آفرینش و زایش و ... و در صورت های منفی ، زن مظهر خیانت و بی وفائی و زن مظهر مکر و فریب و ... را در بر می گیرد . ( لیدا نامدار ، ۱۳۹۰ ، ص ۶۸ )

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

منابع و ماخذ :

- اسکارپیت روبر (۱۳۷۴) جامعه شناسی ادبیت ترجمه مرتضی کتبی ، تهران : سمت
- پور نامداریان ، تقی ( ۱۳۵۷) تامملی در شعر احمد شاملو ، انتشارات آبان
- منصوره تبریزی ، ۱۳۸۶ ویژگی های روانی و جسمانی زن در رابطه ی عاشقانه در اشعار احمد شاملو و نظامی گنجوی
- ترابی ، علی اکبر ۱۳۸۲ ، جامعه شناسی ادبیات فارسی ، تبریز ، انتشارات فروزش
- حافظیان ، فیروزه و کاظمی ، محمد کاظم ، ( گفتگو ) ۱۳۷۹ ، زن در شعر فارسی از گذشته تا حال
- خاقانی ، علی ۱۳۷۶ ، زن از نگاه شاعر ، تهران ، انتشارات ندای فرهنگ
- فلکی ، محمود ۱۳۷۹ ، نگاهی به شعر شاملو ، تهران ، انتشارات مروارید
- فرخ زاد ، پوران ۱۳۸۳ مسیح مادر ، نشان زن در زندگانی و آثار احمد شاملو ، تهران ، انتشارات ایران جام
- یوسفی ، غلامحسین ۱۳۶۹ چشمه ی روشن ، انشارات علمی
- نفیسی ، مجید ۱۳۸۰ چهره زن در شعر احمد شاملو
- آذر باد مهر سپندان ، ۱۳۷۹ ، رهام اشد ، موسسه ی انتشارات فرهر اعتصامی
- ابن طقطقی ، ۱۸۹۴ ، الفخری فی آداب الطانیه و الدول الاسلامیه فی مقوله عشق
- ابن بعید ربه ، شهاب الدین احمد ۱۹۹۹ ، العقد الفرید ، بیروت ، دار و مکتبو الهلال للطباعة و النشر
- دکتر جواد دهقانیان ، ۱۳۹۲ ، دانشکده ادبیات دانشگاه شهید باهنر کرمان ، نشریات علمی پژوهشی
- بهار ، ۹۲
- المقدسی ، المهر بن الطاهر ، ۱۹۰۶ ، احسن التقاسیم ، چاپ لیدن



# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

اجتماعی جندقی، ۱۳۸۴، انتشارات سخن و نگاه

عبدالباسط عرب یوسف آبادی ۱۳۸۲، بررسی جلوه های پایداری در شعر نزار قبانی، استادیار زبان و ادبیات  
فارسی

محمد جواد مهدوی، ۱۳۷۹، نزار قبانی شاعر زن، استاد یار دانشگاه سمنان

علی باقر طاهر نیا ۱۳۸۶، بررسی سیمالوژی مضمون عشق و زن در اشعار نزار قبانی

فروغ فرخزاد ۱۳۸۴، شعر زمان ما، تهران، انتشارات نگاه

غلامحسین یوسفی ۱۳۶۸، من و شعر نزار قبانی، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد

شفیعی کدکنی محمد رضا، ۱۳۸۰، شعر معاصر عرب، تهران، انتشارات ایران

یزدانی زینب، ۱۳۸۹، زن و شعر

نامدار لیدا، ۱۳۹۰، بررسی زن در شعر ایران و عرب

یثربی یحیی، ۱۳۹۰، عشق در عرفان اسلامی

مختاری محمد، ۱۳۸۹، انسان در شعر معاصر

قبانی نزار، ۱۹۹۰، لعبت باتقان و هامی مفاتحی

فرخزاد پوران، ۱۳۸۰، نیمه های ناتمام

شالچی، مجید، ۱۳۸۸، هویت زن از دیدگاه جوامع بین الملل

شهریار محمد حسین، ۱۳۸۳، دیوان اشعار نشر نگاه

ستاری جلال، ۱۳۷۵، سیمای زن در فرهنگ ایران

سپهری سهراب، ۱۳۶۸، هشت کتاب انتشارات طهموری

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

- زرین کوب ، عبدالحسین ، ۱۳۵۵ ، شعر بی فروغ شعر بی نقاب
- دوبوار ، سیمون ، ۱۳۸۰ ، ترجمه قاسم صفوی انتشارات طوس
- دانشور سیمین ، ۱۳۷۵ ، شناخت و تحسین هنر انتشارات کتاب سیمین
- دیب عوضه رضا ، ۱۹۹۹ ، المراه فی شعر عمر بن ابی ربیعہ ، عمر ابو ریشہ و نزار قبانی ، بیروت رشاد برس ، چاپ اول
- جوادی حسن ، ۱۳۶۹ ، نگاهی به زن در ادبیات فارسی
- ملک الشعراء بهار ، ۱۳۸۰ ، دیوان اشعار
- اسوار موسی ، ۱۳۸۱ ، پیشگامان شعر امروز عرب ، انتشارات سخن
- اخوان ثالث مهدی ، ۱۳۶۹ ، زمستان
- اسوار موسی ، ۱۳۸۱ ، تا سبز شوم از عشق ، انتشارات سخن
- آرین پور یحیی ، ۱۳۸۲ ، از صبا تا روزگار ما ، تهران نشر زوار
- آژند یعقوب ، ۱۳۸۳ ، انواع ادبی در ایران امروز ، نشر قطره
- احمدی پگاه ، ۱۳۸۹ ، شعر زن از آغاز تا امروز ، نشر چشمه
- ابوریشہ عمر ، ۱۹۷۱ ، دیوان بیروت ، دار العوده ، چاپ اول

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
**فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی**

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature